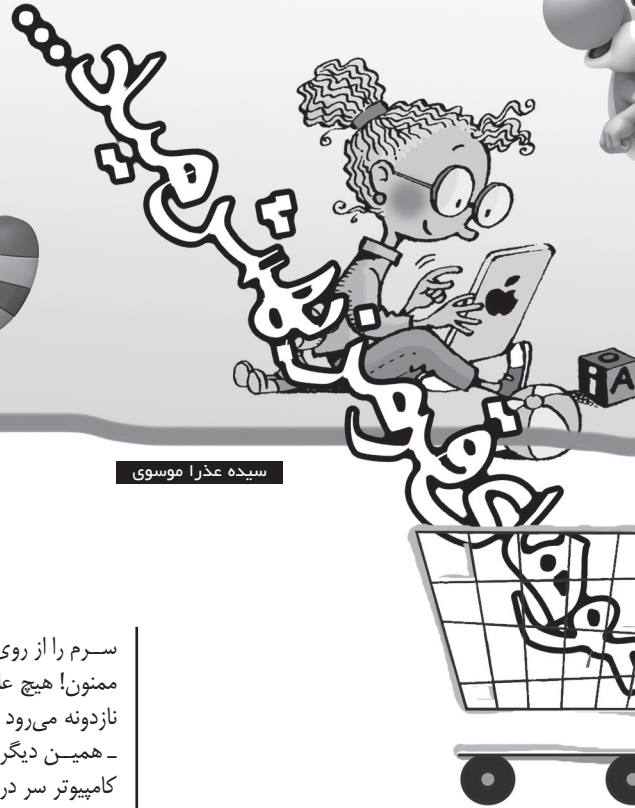




سپیده عذرا موسوی

سرم را از روی صفحه بلند می‌کنم و می‌گویم: «خیلی ممنون! هیچ علاقه‌ای به این جور بازی‌ها ندارم.» نازدونه می‌رود توی یک بازی آنلاین. – همین دیگر. آن قدر بازی نمی‌کنی، که هیچ از این کامپیوتر سر در نمی‌آوری. فقط بلدی ایمیل چک کنی. دفترچه یادداشت‌م را از توی کیفم درمی‌آورم و می‌گویم: «البته این قدرها هم که تو می‌گویی بی‌دست‌وپا نیستم. من از این زن‌های توی بازی‌ها خوشم نمی‌آید؛ آدم‌هایی که یا تماشاچی‌اند، یا بدبخت و بیچاره که فرت و فرت گرفتار آدم‌بدها می‌شوند؛ آن وقت قهرمان بازی که بیش‌تر وقت‌ها هم مرد است، باید بیاید و نجات‌شان بدهد. این جلوها قهرمان دارد فکر می‌کند که چطور می‌تواند دشمن را نابود کند و آن عقب‌ها زنی جیغ‌کشان یا فرار می‌کند یا دست و پا می‌زند و التماس می‌کند که بیایید نجاتم بدهید.» – همیشه هم این‌طور که تو می‌گویی نیست. – درسته! بعضی وقت‌ها هم عین پاستیل می‌چسبد به شخصیت اصلی تا یک‌جوری گولش بزند یا تشویقش کند و بیندازدش توی دهان شیر. نازدونه محکم می‌زند روی یکی از دکمه‌های جهتی و تکیه می‌دهد به صندلی. – آه! دیدی؟ باختم. خودت که بازی نمی‌کنی هیچ، حواس من را هم پرت می‌کنی. رو می‌کند به من و می‌گوید: «ولی این بازی که گفتم دور سومش دارد ساخته می‌شود؛ این‌طور نیست.

چند وقت دیگر، دور سوم این بازی را وارد بازار کنند. حالا شرکت تولیدکننده‌اش یک نظرسنجی راه انداخته، که دوست دارید رنگ موهای شخصیت اول بازی چه رنگی باشد. آها! ایناهاش! تا چشمم بهش می‌افتد، یاد «مجید» در سریال «قصه‌های مجید» می‌افتم؛ آن‌جا که به هزار در زد تا شاید نمره ورزشش زیاد بشود. همان‌جا که عکس کله نحیفش را بریده بود و چسبانده بود به هیکل یک قهرمان پرورش اندام! حالا سر زن زیبایی روی هیکل آهنین مردانه‌ای سوار شده است و نازدونه عکسش را با چهار رنگ موی مشکی، قهوه‌ای، طلایی و قرمز روی صفحه بالا و پایین می‌کند. – خدایی موی قرمز از همه‌شان قشنگ‌تر است. نمی‌دانی گل‌دونه؛ چه بازی اکشنی است. ضربه‌های پایش حرف ندارد. یک تبر کوچک هم دارد که شاهکار است. می‌خواهی بیاورم یک دور بازی کنی؟

می‌گوید: «می‌گذاری یک دقیقه بروم توی اینترنت؟» خواهرم نازدونه است. می‌پرسم: «چه کار داری؟» می‌نشیند پشت سیستم و زل می‌زند به صفحه. – می‌خواهم توی یک نظرسنجی شرکت کنم. می‌گویم: «برای انتخابات است؟ می‌خواهند حدس بزنند که کی رأی می‌آورد؟» رویش را بر نمی‌گرداند. لیخند می‌زند و می‌گوید: «تو هم حالت خوب نیست‌ها. من به انتخابات چه کار دارم؟ اصلاً نمی‌دانم کی کاندید شده؛ کی نشده. می‌خواهم رأی بدهم که رنگ موهای این زن!! توی بازی چی باشد. توی دور دوم، موهای طلایی بود؛ هیچ بهش نمی‌آمد. به نظر من اگر قرمز باشد خیلی خوشگل‌تر می‌شود. تازه به روحیه‌اش هم می‌خورد.» خودکارم را می‌گذارم روی میز و می‌ایستم پشتش. سرم را خم می‌کنم طرف صفحه و می‌پرسم: «یعنی چه؟» – عجب! تو هم آن قدر سرت به کار خودت است که اصلاً نمی‌فهمی توی دنیا چه خبر است. قرار است تا



شخصیت اصلی‌اش زن است.»

می‌گوییم: «لابد یک زن زیبا و جذاب، ولی بی‌رحم و بی‌عاطفه با اندامی که جنسیتش را داد می‌زند و لباس‌های آن چنانی دارد و عین عقاب به هوا می‌پرد و مثل فریره توی هوا می‌چرخد و با یک ضربه آدم‌بدها را از وسط نصف می‌کند و مثل مردها کارهای سخت و سنگین و حتی خارق‌العاده می‌کند.»

دست به سینه می‌نشیند، لبخند می‌زند و می‌گوید: «بد است؟ آدم کیف می‌کند. دلش می‌خواهد فقط زل بزند و نگاهش کند.»

می‌گوییم: «پروفسور «یو گروبل» هم که عضو انیستیتی رسانه‌ای اروپاست می‌گوید، «تولیدکنندگان بازی‌های ویدیویی از زنان، در بازی‌ها، یا به‌عنوان کاراکتر فریب‌دهنده بازی و یا کاراکتر جذاب، استفاده می‌کنند، تا جوانان علاقمند به بازی را - که بیش‌ترشان پسر هستند - موضوع اصلی بازار خود قرار بدهند تا به این وسیله از رقبای خود پیش بیفتند.»

من کاری به خوب یا بد بودن بازی‌های رایانه‌ای ندارم، ولی می‌دانی زن‌های این بازی‌ها چه بلایی سر مخاطبان‌شان می‌آورند؟»

کمی جابجا می‌شود و می‌پرسد: «چه بلایی؟»

می‌گوییم: «دختری که می‌بیند مثلاً زن بازی، حداقل بدنش را پوشانده یا هیچ حیا و عفتی ندارد، چه تصویری از حجاب در ذهنش نقش می‌بندد یا پسری که همین زن را می‌بیند، چه نگاهی به زنان جامعه‌اش دارد؟ شاید

این کاراکترها باعث ایجاد حس نفرت از زن در مخاطبان‌شان نشوند، ولی مطمئن باش که چهره زن راه، مخصوصاً در ذهن جوانان تخریب می‌کنند.»

- عمق فاجعه آن قدرها هم که تو می‌گویی عمیق نیست.

- اتفاقاً چرا. آمار به دست آمده نشان می‌دهد که در ۸۵ درصد بازی‌های رایانه‌ای، زن‌ها یا اصلاً حضور ندارند یا نقش‌های کلیشه‌ای مثل قربانیان بی‌پناه یا ابزارهای جنسی دارند. در یک مطالعه پیمایشی بر روی بسته‌بندی ۴۷ بازی رایانه‌ای با درجه بالا، مشخص شد که از ۱۱۵ شخصیت رسم شده بر روی جلد بازی‌ها، تنها ۹ نفرشان زن بودند.

این بازی‌ها معمولاً موضوعات مردانه دارند. در بیش‌تر بازی‌ها، برهنه بودن و برهنه شدن تصویر اصلی زن است و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم روی جذابیت‌های جنسی او تأکید می‌شود.

- خب من به این چیزها دقت نداشتم. البته این را هم بگوییم که تو عادت داری به همه‌چیز گیر بدهی.

دستی به سرش می‌کشم و می‌گوییم: «همه گیر دادن‌ها بد نیست؛ درست است نازدونه جان؟!»

سیستم را خاموش می‌کند و می‌گوید: «فکر کنم همین‌طور باشد گلدونه جان.»